

نبض اقتصاد
زاد دست بگیرید

چارشوت



رهبرانقلاب در پیامی به مناسبت سالروز افتتاح مجلس شورای اسلامی و آغاز سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم اولویتهای کاری مجلس دوازدهم و وظایف ضروری نمایندگان را تبیین کردند:

اولویت مجلس: گره‌گشایی از معیشت مردم

جایگاه و نقش نمایندگان

- نماینده حقیقی ملت از جنس ملت**
- تنظیم نقش آفرینی و انجام مسئولیت در تراز ملت مبعوث شده**
- تسریع و تعمیق مسیر ریل گذاری آینده ایران اسلامی با کار و ابتکار مضاعف، قانون گذاری و نظارت**
- صندلی نمایندگی به مثابه سنگر خط مقدم تحول در مسیر پیشرفت کشور**
- حکمرانی هم افزا با دولت و سایر دستگاه ها در عین استقلال قوه مقننه**

اهداف کلان و مسائل اولویت دار

- **نوسازی شایسته کشور**
- **گره گشایی از دغدغه های مردم خصوصاً مسائل اقتصادی و معیشتی**
- **رونق تولید و اشتغال**
- **رشد تراز علم و صنعت**
- **اعتلای فرهنگ و اخلاق**
- **مبارزه با فساد مالی، مهار تورم و گرانی**
- **محرومیت زدایی همه جانبه**

مصوبات و قانون گذاری

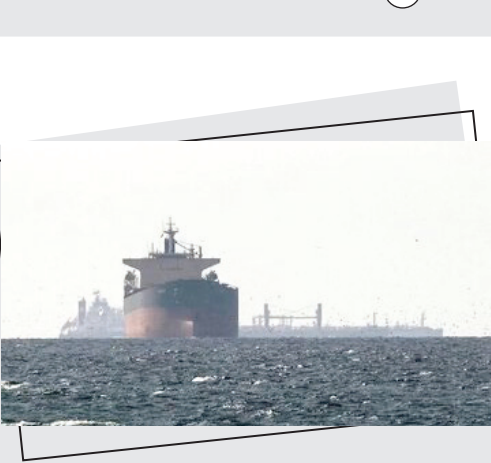
- **نسبت مستقیم و مشهود مصوبات مجلس با مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم**
- **مصوبات مجلس معطوف به امید آفرینی و آینده سازی کشور باشد**
- **تبدیل مجلس به پیشران امید آفرینی با مواضع، مصوبات و نطق های نمایندگان**

محورهای اقتصادی و برنامه محور

- **پیگیری ثبات اقتصادی**
- **پیگیری مدیریت نقدینگی**
- **اصلاح برنامه هفتم پیشرفت و افزودن موارد مربوط به نوسازی و بازسازی خسارات جنگ تحمیلی دوم**
- **ترسیم نقشه راه حرکت دولت و سایر بخش ها در شرایط کنونی و دوران پساجنگ**

ویژگی ها و رویکردهای نمایندگان

- رعایت تقوای فردی**
- تشخیص صحیح اولویت ها**
- آرای مبتنی بر مطالعات و مشورت های عمیق کارشناسی**
- زیست مردمی و ارتباط گسترده با مردم**
- فسادستیزی همه جانبه**
- ترجیح منافع ملی و مطالبات عمومی بر نیازها و منافع جناحی و گروهی و منطقه ای**
- توجه به دیپلماسی پارلمانی**
- شجاعت و اعلام مواضع شفاف و مقتدرانه در برابر زیاده خواهی های مستکبران**
- توجه هوشمندانه و انقلابی به موقعیت تازه ایران در منطقه و جهان**
- رعایت نعمت عظیم وحدت ملی و انسجام بی بدیل فعلی**
- پرهیز از اختلافات پوج سیاسی و برجسته کردن تفاوت های اجتماعی**
- عدم تبدیل اختلافات غیرموجه و حتی موجه به تفرقه و تفرقه**



اقتصاد جهانی زیر سایه تنگه هرمز؛ واشینگتن در تله رکود تورمی افتاد

جنگ فرسایشی آمریکا و اسرائیل علیه ایران حالا از میدان نظامی فراتر رفته و اقتصاد جهان را درگیر کرده؛ بحرانی که با اختلال در تنگه هرمز، موج تازه‌ای از تورم، افزایش قیمت انرژی و نگرانی از رکود تورمی را به‌ویژه در آمریکا رقم زده است.

جنگی که از اواخر زمستان ۱۴۰۴ با حمله آمریکا و اسرائیل علیه ایران آغاز شد، برخلاف برآورد‌های اولیه غرب نه فقط به یک عملیات کوتاه‌مدت تبدیل نشد، بلکه اکنون به بحرانی فرسایشی برای اقتصاد جهان بدل شده است. در شرایطی که هدف اولیه واشینگتن و تل آویوو تغییر معادلات منطقه‌ای و اعمال فشار حداکثری بر ایران بود، تداوم درگیری و اختلال در تنگه هرمز، مسیر دیگری را پیش روی اقتصاد جهانی قرار داد؛ مسیری که اکنون از پمپ‌بنزین‌های آمریکا تا بازار مواد غذایی اروپا و آسیا را تحت تأثیر قرار داده است.

در حالی که بخش مهمی از زیرساخت‌های منطقه درگیر تنش شده، بازار جهانی انرژی بیش از هر حوزه دیگری از جنگ تأثیر پذیرفته است. بسته شدن تنگه هرمز به عنوان مهم‌ترین گذرگاه صادرات نفت و گاز جهان، شوک بزرگی به بازارهای بین‌المللی وارد کرد و قیمت نفت را ظرف مدت کوتاهی از کانال ۷۰ دلار به محدوده بالای ۱۰۰ دلار رساند. همین جهش قیمتی کافی بود تا موج تازه‌ای از تورم جهانی شکل بگیرد؛ موجی که بیش از همه اقتصاد آمریکا را تحت فشار قرار داده است.

شوگ هرمز و بازگشت کابوس تورم

اقتصاد آمریکا هنوز از تبعات تورم سنگین سال‌های پایا و کربا فاصله نگرفته بود که جنگ خاورمیانه، موتور جدیدی برای رشد قیمت‌ها ایجاد کرد. افزایش هزینه انرژی به سرعت خود را در قیمت حمل‌ونقل، خدمات، مواد غذایی و حتی کالاهای مصرفی روزمره نشان داد. اکنون خانوارهای آمریکایی دوباره با شرایطی روبه‌رو شده‌اند که خاطره بحران تورمی دهه ۱۹۷۰را زنده می‌کند. افزایش بهای بنزین در آمریکا تنها یک مسئله اقتصادی نیست؛ این موضوع مستقیماً به سبک زندگی آمریکایی‌ها گره خورده است. در کشوری که وابستگی بالایی به حمل‌ونقل جاده‌ای دارد، هر جهش در قیمت سوخت به معنای افزایش هزینه زندگی میلیون‌ها نفر است. رشد هزینه سفرهای تابستانی، افزایش قیمت بلیت هواپیما، بالا رفتن نرخ حمل کالا و رشد خدمات، نقش‌آوران این اقتصاد مضاعفی بر طبقه متوسط آمریکا وارد کرده است.

در کنار انرژی، بازار مواد غذایی نیز وارد فاز جدیدی از التهاب شده است. افزایش هزینه کودهای شیمیایی، اختلال در زنجیره تأمین جهانی و رشد هزینه حمل‌ونقل دریایی باعث شده قیمت بسیاری از اقلام خوراکی روند صعودی بگیرد. این وضعیت به‌ویژه برای اقشار کم‌درآمد نگران‌کننده است؛ زیرا بخش بیشتری از درآمد آنها صرف هزینه‌های ضروری می‌شود. اقتصاددانان آمریکایی معتقدند بخش مهمی از تورم فعلی، مستقیماً به جنگ با ایران و بحران هرمز مرتبط است. برخلاف دوره‌های قبلی که تورم عمدتاً ناشی از سیاست‌های پولی یا بحران‌های داخلی بود، این بار عامل بیرونی و ژئوپلیتیکی نقش اصلی را بازی می‌کند. موضوعی که کنترل آن را برای دولت آمریکا دشوارتر کرده است.

ترامپ ریز فشار، اقتصاد جنگی

دوئل ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ با شعار مهار تورم و کاهش فشار اقتصادی بر مردم توانست بخش مهمی از آرای طبقه متوسط را جذب کند اما اکنون شرایط اقتصادی به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های سیاسی دولت او تبدیل شده است. افزایش مداوم مصرفی انرژی و کالاهای مصرفی، ناراضی‌های عمومی را افزایش داده و حتی بخشی از حامیان سنتی جمهوری خواهان نیز نسبت به آینده اقتصادی بدبین شده‌اند.

کارشناسان آمریکایی هشدار می‌دهند اگر جنگ ادامه پیدا کند، اقتصاد آمریکا ممکن است وارد دوره‌ای از رکود تورمی شود؛ وضعیتی که هم‌زمان با رشد تورم، سرعت رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. این سناریو برای کاخ سفید بسیار پرهزینه خواهد بود، زیرا ابزارهای مقابله با تورم می‌تواند خود باعث تضعیف اقتصاد شود. بانک مرکزی آمریکا اکنون در موقعیتی پیچیده قرار گرفته است. از یک‌سو افزایش نرخ بهره برای مهار تورم می‌تواند فشار بر بازار کار و تولید را بیشتر کند و از سوی دیگر، بی‌عملی در برابر رشد قیمت‌ها ممکن است موج تورمی را تثبیت کند. همین بلاتکلیفی موجب شده فضای اقتصادی آمریکا با نااطمینانی گسترده‌ای مواجه شود.

هم‌زمان بازارهای مالی نیز واکنش منفی نشان داده‌اند. سرمایه‌گذاران نسبت به آینده اقتصاد جهانی محتاط‌تر شده‌اند و نگرانی درباره طولانی شدن بحران انرژی، روند سرمایه‌گذاری را گند کرده است. بسیاری از شرکتهای آمریکایی نیز از افزایش هزینه تولید و کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان آسیب دیده‌اند.

سقوط اعتماد عمومی در آمریکا

یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ برای آمریکا، کاهش شدید اعتماد عمومی به وضعیت اقتصادی است. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد نگرانی درباره هزینه‌های زندگی به مهم‌ترین دغدغه خانوارهای آمریکایی تبدیل شده است. بسیاری از شهروندان احساس می‌کنند درآمد آنها دیگر پاسخگوی افزایش قیمت‌ها نیست و کیفیت زندگی در حال افت است. کاهش قدرت خرید اکنون به یک مسئله جدی اجتماعی تبدیل شده است. هرچند دستمزدها رشد داشته اما سرعت افزایش قیمت‌ها بیشتر بوده و همین موضوع موجب کاهش درآمد واقعی خانوارها شده است. در چنین شرایطی مصرف‌کنندگان آمریکایی ناچارند بخشی از هزینه‌های غیرضروری خود را حذف کنند؛ روندی که می‌تواند به کاهش تقاضا و کند شدن رشد اقتصادی منجر شود.

آچه شرایط فعلی را برای آمریکا حساس‌تر می‌کند، هم‌زمانی بحران خارجی با مشکلات ساختاری داخلی است. بدهی سنگین دولت، شکاف سیاسی، هزینه‌های بالای نظامی و فشار بر بودجه عمومی اکنون با تورم ناشی از جنگ ترکیب شده و چشم‌انداز اقتصاد آمریکا را پیچیده‌تر کرده‌است. در سطح جهانی نیز ادامه تنش در خلیج فارس می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری ایجاد کند. کشورهای اروپایی که همچنان به واردات انرژی وابسته‌اند، با افزایش هزینه تولید و رشد قیمت‌ها روبه‌رو شده‌اند و اقتصادهای آسیایی نیز از اختلال در تجارت دریایی آسیب می‌بینند. در واقع بحران هرمنی تنها یک مسئله منطقه‌ای نیست، بلکه به نقطه‌ای تعیین‌کننده برای ثبات اقتصاد جهان تبدیل شده است.

نصف اقتصاد رادر دست بگیرید

بخارنوبت

Charsogh newspaper

■ شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۷۱



رهبر معظم انقلاب در پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام تأکید کردند

آمریکایی‌ها بدانند زمان به عقب برنخواهد گشت

گزارش

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم

انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت فرارسیدن موسم حج ابراهیمی، اعمال و آثار پررمز روز حج را نشانه‌هایی برای همیشهٔ بشریت جهت هجرت به سمت خداوند تعالی و رهایی از قید و بند شیطان و اذنا‌بیش و سسعی و تلاش بی‌وقفه برای عمل به تکالیف الهی و رهایی از هواهای نفس و سعادت‌مندی دنیوی و اخروی برشمردند و با اشاره به تکیه ملت بزرگ ایران بر این نشانه‌ها به‌ویژه سلاح «الله‌اکبر» از دوران نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس تا جنگ تحمیلی دوم و جنگ تحمیلی سوم و ناکام گذاشتن دشمنان برای تسلیم ایران و واقعه اعجاب‌انگیز بعثت الهی مردم، تأکید کردند: امسال مسئله برائت از مشرکان اهمیت مضاعفی دارد و عمق و گستره برائت از آمریکا و رژیم صهیونی فراتر از آئین برائت در موسم حج است و از این پس «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» شعار رایج امت اسلامی و مظلومان عالم خصوصاً جوانان خواهد بود. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به امت اسلامی که صبح امروز سرپرست حجاج ایرانی در صحرای عرفات قرائت شد، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الحمد و التَّعْمَةَ لَكَ و الفلک

خدایا، دعوت تو را اجابت می‌کنم، هیچ شریکی برای تو نیست و همه ستایش‌ها و همه نعمت‌ها و همه مُلک و قدرت از سوی تو و متعلق به تو است.

موسم حج امسال نیز فرارسید و حج‌گزاران امت اسلام احرام بندگی بستند و تلبیه گفتند تا از زندگی مادی و معمولی به زندگی الهی و سعادت‌ماننده هجرت کنند؛ زندگی توحیدی بر محور عبودیت حضرت حق جَلَّ و علا و طرذ نفی و برائت از اندادالله‌اما فرمود این هجرت تنها متعلق به زائران و حجاج امسال بیت‌الله نیست

”

رهبرانقلاب: اختلافات غیرموجه و حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنید

و باز هم الله اکبر؛ بی‌گمان خداوند تبارک و تعالی بزرگ‌تر است از آنکه به وصف آید و جنود او بر هر قدرتی چیره‌اند؛ و با همین سلاح الله اکبر است که در بی‌بعثت ملت ایران و جبهه مقاومت، بعثت امت اسلامی رقم خواهد خورد و برائت از مشرکان از رمی جمرات حج به صحنه‌های زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اقصی نقاط عالم تسری خواهد یافت. امت اسلامی و ملت‌های منطقه ظرفیت‌ها و منافع مشترک زیادی دارند که نظم جدید و هندسه آینده منطقه و جهان را شکل خواهد داد. اینجانب با صدق و خلوص همه کشورها و دولت‌های اسلامی را به دوستی و تعاون به خیر و نیکی دعوت می‌کنم تا با همکاری یکدیگر در راه پیشرفت امت اسلامی و حل مسائل دنیای اسلام قدم برداریم.

آنچه در این زمینه مسلم است، عقربه زمان به عقب بر نمی‌گردد و ملت‌ها و سرزمین‌های منطقه، دیگر سپر پایگاه‌های آمریکایی نخواهند بود. آمریکا علاوه بر آنکه دیگر، نقطه امنی برای شرارت و استقرار پایگاه نظامی در منطقه نخواهد داشت، روز به روز از وضع سابق خود فاصله می‌گیرد. رژیم متزلزل و غده سرطانی صهیونی نیز به مراحل پایانی عمر منحوس خود نزدیک شده و به فضل الهی و مطابق با سخن قاطع و آینده‌نگر ۱۰ سال قبل رهبر عظیم‌الشان شهید قدس الله نفسه الزکیه ۲۵ سال بعد از آن تاریخ را خواهد دید، ان‌شا‌الله.

به همین جهت امسال مسئله برائت از مشرکان اهمیتی مضاعف دارد و عمق و گستره برائت از آمریکا و رژیم صهیونی، فراتر از آئین برائت در موسم و میقات حج بوده و در نقاط مختلف ایران و جهان پس از این ایام مبارک، مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، شعار رایج امت اسلامی و مظلومان عالم خصوصاً جوانان خواهد بود.

آینده متعلق به امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی است و هر یک از ما می‌توانیم به اندازه همت، ظرفیت و مسئولیت خود در تحقق این آینده و نزدیک‌تر شدن به آن ایفای نقش کنیم. زائران و حج‌گزاران ایرانی در حج امسال نقش مؤثر و برجسته‌ای در روایت فتح جنگ تحمیلی سوم برای سایر برادران و خواهران مسلمان خود و امیدوار ساختن آنها به آینده روشن، دارند.

از همه حجاج عزیز می‌خواهم به دعا برای تسجیل در فرج منجی بشریت عمل الله تعالی فرجه اهتمام ورزیده و برای وحدت امت اسلامی، آزادی فلسطین و مسجد الاقصی، رفع گرفتاری‌های بزرگ مسلمانین و رسیدن به ظفر نهایی مقابل استکبار جهانی دعا کنند و اینجانب را نیز مشمول دعای خیر خود نمایند.

پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و نظر لطف و رأفت خود را شامل حال حجاج و همه امت اسلام کن. توفیق حج مقبول نصیبشان بگردان، دل‌هایشان را از انوار معرفت و بصیرت روشن فرما و عزم و اراده آنان را برای حرکت در مسیر اصلاح حال امت و ظفر نهایی بر دشمنان اسلام را سخ‌تر نما.

پروردگارا فضل و رحمت و واسعة خود را بر ارواح مطهر شهدای راه خدا خصوصاً شهیدان جبهه مقاومت و در رأس آنان رهبر عظیم‌الشان شهید اعلی الله مقامه الشریف نازل فرما از حج حاجان و عبادت عبادت‌نگران و سعی تلاشگرانی که مشمول هدایت و راهبری قائد ما بوده‌اند، نصیب وافر به روح ملکوتی او واصل فرما و ملت ایران و امت اسلامی را در استعمار راه و هدف او یاری نما.

پروردگارا برترین صلوات و تحیات خود را بر سرور و مولایمان حضرت مهدی منتظر صلوات الله و سلامه علیه و علی آباءه الطاهرین نازل فرما و همه ما و امت اسلامی را مشمول

ادعیه زاکیه و مستجاب آن حضرت قرار بده و عالم را به قدوم مبارکش منور و مزین فرما، ایستادگانه وعده فرمودی قلب‌های ما مالامال از اطمینان به آن وعده محتوم است. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَدْعٍ حُفَّهِم مَّآثِمًا. و السّلام ورحمه الله وبرکاته. المسلمین و جمیع اخواننا الذّی عدّه ۱۴۴۲- سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

”**آینده متعلق به امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی است و هر یک از ما می‌توانیم به اندازه همت، ظرفیت و مسئولیت خود در تحقق این آینده و نزدیک‌تر شدن به آن ایفای نقش کنیم**“

مراعات آن رهنمودها و انجام صحیح وظایف خطیر، دربره‌هی حساس فعلی، نقش اساسی دارد و تشخیص صحیح اولویت‌ها، آرای مبتنی بر مطالبات، مشورت‌های عمیق کارشناسی، زیست‌مردمی و ارتباط گسترده با مردم، فسادستیزی همه‌جانبه، ترجیح منافع ملی و مطالبات عمومی بر نیازها و منافع جناحی و گروهی و منطقه‌ای، توجه به دیپلماسی پارلمانی، شجاعت و اعلام مواضع شفاف و مقتدرانه در برابر زیاده‌خواهی‌های مستکبران، و توجه هوشمندانه، و انقلابی به موقعیت تازه‌ی ایران در منطقه و جهان، در زمره‌ی این الزامات است. از جمله مصادیق تقوا، رعایت نعمت عظیم وحدت ملی و انسجام بی‌بدیلی

مصوّبات مجلس براساس نیازهای مردم و معطوف به امیدآفرینی و آینده‌سازی کشور باشد

براین اساس لازم است، مصوّبات مجلس، با مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم، نسبتی مستقیم و مشهود داشته باشد و معطوف به امیدآفرینی و آینده‌سازی کشور باشد. جامعه، پیش از هر چیز، نیازمند شهادتی نشانه‌های واقعی امید، مسیریابیات، و چشم‌انداز روشن از آینده است تا بتوانند بر اساس آن، برنامه‌ریزی و حرکت کنند و نمایندگان مجلس با مواضع، مصوّبات و نطق‌های خود، می‌توانند، مجلس شورای اسلامی را، نهاد پیشران امیدآفرینی نمایند؛ از جمله، در موقعیت کنونی، با همراهی قوای مجریه و قضائیه، متمرکز بر شعار «اقتصاد مقاومتی»، در سایه وحدت ملی و امنیت ملی، در سال ۱۴۰۵، ثبات اقتصادی، کاهش تورم، مدیریت نقدینگی، رونق تولید، اصلاح برنامه هفتم پیشرفت، و افزودن موارد مربوط به نوسازی و بازسازی خسارات جنگ تحمیلی دوم و سوم را، دستوراصلی قرار داده و نقشه‌ی راه حرکت دولت و سایر بخش‌ها را در شرایط کنونی و دوران یساجنگ ترسیم کنند.

برای ایفای نقشی در تراز ملّت معبوده، مقدمات و الزامات گوناگونی نیز، مورد نیاز است که در این مجال مختصر، صرفاً برادران و خواهران گرامی را، به مطالعه‌ی دقیق و جدّی تفصیلات فرمایشات قائد عظیم‌الشان شهید، اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف، در دیدارهای سالانه‌ی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بخصوص سال‌های اخیر که، واجد ارزش تجربی و عملیّاتی مهمی است، توصیه‌مینمایم.

رعایت تقوای فردی در تضمین طبیعی است که،

^[1] رهبر معظم انقلاب در پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام تأکید کردند

^[2] رهبر معظم انقلاب در پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام تأکید کردند

^[3] رهبر معظم انقلاب در پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام تأکید کردند

^[4] رهبر معظم انقلاب در پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام تأکید کردند

^[5] رهبر معظم انقلاب در پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام تأکید کردند

^[6] رهبر معظم انقلاب در پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام تأکید کردند

^[7] رهبر معظم انقلاب در پیام خود به حجاج بیت‌الله الحرام تأکید کردند



چرانرخ ارزواقعیتهای اقتصادی ایران دورشد

نرخ ارز در بازار غیررسمی ایران دیگردماسنج بخش واقعی اقتصاد نیست، بلکه شاخصی از فرار سرمایه است.

هم‌زمان با تشدید تنش‌های منطقه‌ای و قرار گرفتن اقتصاد ایران در شرایطی نزدیک به مختضات یک اقتصاد جنگی، بحث درباره شیوه مدیریت بازار ارز و الزامات سیاست‌گذاری در چنین شرایطی بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است. تجربه‌سال‌های گذشته‌نشان می‌دهد در دوران بحران، ابزارهای متعارف اقتصادی الزاماً پاسخگوی تحولات بازار نیستند و سیاست‌گذار ناچار است فراتر از قواعد کلاسیک اقتصاد عمل کند.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در این شرایط آن است که آیا نرخ ارز در ایران همچنان بازتاب‌دهنده متغیرهای واقعی اقتصاد است یا عوامل دیگری تعیین‌کننده مسیرآن شده‌اند؟ پرسشی داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد پاسخ این سؤال با آنچه در نظریه‌های کلاسیک اقتصاد مطرح می‌شود فاصله‌قابل توجهی دارد.

در ادبیات اقتصادی، معمولاً زمانی که صادرات یک کشور از واردات آن پیشی می‌گیرد و تراز تجاری مثبت می‌شود، انتظار می‌رود فشار بر بازار ارز کاهش پیدا کند. افزایش عرضه‌ارز بایدید به کاهش یا حداقل ثبات قیمت آن منجرشود.

اما تجربه اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته تصویری متفاوت را نشان می‌دهد.

به جز مقاطعی مانند دوران کرونا که درآمدهای نفتی کشور بافت جدی مواجه شد، ایران در بسیاری از سال‌های اخیر تراز تجاری مثبت داشته است. برآوردها نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳، اقتصاد ایران سالانه بین ۸ تا ۱۴ میلیارد دلار مازاد تجاری ثبت کرده است.

بر اساس قواعد کلاسیک اقتصادی، چنین وضعیتی باید به کاهش فشار بر

نرخ ارز منجر می‌شد، اما در عمل روندی کاملاًمتفاوت مشاهده شد نرخ ارز مسیر صعودی خود را ادامه داد. همین تناقض موجب شده برخی تحلیلگران معتقد باشند نرخ بازار غیررسمی دیگر دماسنج بخش واقعی اقتصاد نیست.

بازار غیررسمی: بازار برای «هراس سرمایه»

آنچه در بازار غیررسمی ارز شکل گرفته بیش از آنکه ناشی از تجارت، تولید یا واردات باشد، تحت تأثیر رفتار سرمایه‌هایی است که در شرایط نااطمینانی به دنبال خروج یا تغییر محل نگهداری خود هستند. در واقع بخشی از تقاضای ارز موجود در کشور به تجارت و فعالیت اقتصادی ارتباطی ندارد؛ بلکه ناشی از تلاش صاحبان سرمایه برای محافظت از دارایی‌های خود در برابر ریسک‌های

سیاسی و اقتصادی است.

در چنین شرایطی، بازار ارز به نوعی «دماسنج هراس سرمایه» تبدیل می‌شود. همین مسئله باعث می‌شود هر شوک سیاسی، امنیتی یا اقتصادی اثر بسیار

بزرگ‌تری بر نرخ ارز داشته باشد.

خروج سرمایه: متغیری که کمترین‌دیده

داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد از ابتدای دهه ۱۳۹۰، اقتصاد ایران تقریباً به شکل مداوم با خروج سرمایه روبه‌رو بوده است. برآوردها حاکی از آن است که هم‌زمان با آغاز تحریم‌های گسترده، حجم خروج سرمایه افزایش قابل توجهی پیدا کرد و در سال ۱۳۹۰ به حدود ۳۸ میلیارد دلار رسید.

این رقم صرفاً به معنای خروج پول از کشور نیست؛ بلکه ایجاد یک تقاضای مستقل و مستعمر در بازار ارز را نیز نشان می‌دهد. تقاضایی که بر خلاف نیازهای تجاری، تحت تأثیر انتظارات شکل می‌گیرد و می‌تواند مسیر بازار را تغییر دهد. در اقتصادهایی که درآمدهای ارزی گسترده دارند، معمولاً شوک‌های ناشی از چنین تقاضاهایی یا حتی جذب می‌شود، اما با کاهش درآمدهای نفتی، حساسیت بازار به این تحولات افزایش می‌یابد. به بیان ساده، اگر اقتصاد به یک آقایانوس بزرگ ارزی متصل باشد، شوک‌ها اثر محدودی خواهند داشت؛ اما زمانی که حجم منابع خش پیدا کند، حتی یک شوک کوچک نیز می‌تواند نوسان شدیدی ایجاد کند.

برجام و نپایه که بازاربازی حفظ شد

یکی از مقاطع مهم بازار ارز به سال‌های پس از توافق هسته‌ای بازمی‌گردد. معمولاًتصور می‌شود ثبات نسبی آن سال‌ها صرفاً نتیجه بهبود روابط خارجی بود، اما بررسی روندها نشان می‌دهد نقش مداخله بانک مرکزی در آن دوره بسیار پررنگ تر بوده است. بانک مرکزی برای جلوگیری از افزایش نرخ ارز و ایجاد تصویری باثبات از شرایط اقتصادی، حجم قابل توجهی از ذخایر ارزی را وارد بازار کرد. این سیاست در کوتاه‌مدت توانست نرخ ارز را کنترل کند، اما در عمل هزینه سنگینی برای ذخایر ارزی کشور به همراه داشت. هم‌زمان نرخ سود بانکی نیز به سطوحی رسید که با واقعیت‌های اقتصاد سازگاری نداشت. در شرایطی که تورم حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد بود، سود بانکی نزدیک به ۱۸ درصد پرداخت می‌شد؛ مسئله‌ای که عملاً باعث جذب گسترده نقدینگی به شبکه بانکی شد.

انبار باروت نقدینگی و چرخه خروج آمریکا از برجام

انباشت نقدینگی در شبکه بانکی به تدریج شرایطی شبیه «انبار باروت» ایجاد کرد؛ وضعیتی که تنها به یک چرخه نیاز داشت. این چرخه از اوخراسل ۱۳۹۶ و هم‌زمان با افزایش احتمال خروج آمریکا از توافق هسته‌ای شکل گرفت. با افزایش نااطمینانی‌ها، بخشی از نقدینگی به سمت بازار ارز حرکت کرد و بانک مرکزی نیز دیگر توان مداخله گسترده گذشته را نداشت. نتیجه این شرایط، جهش شدید نرخ ارز و ورود بازار به دوره جدیدی از بی‌ثباتی بود.

چرا ارز ۴۲۰۰ تومانی شکست خورد؟

پس از جهش ارزی، دولت سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی را در دستور کار قرار داد. اگرچه هدف اولیه این سیاست، ایجاد ثبات و کنترل بازار بود، اما نبود زیرساخت‌های لازم موجب شد این طرح به نتیجه مطلوب نرسد. یکی از مهم‌ترین الزامات چنین سیاستی، بازگشت کامل از وارداتی به چرخه رسمی اقتصاد بود؛ موضوعی که به شکل کامل اجرا نشد.

در کنار آن، معافیت‌های متعدد، ضعف در نظارت بر زنجیره تأمین، نبود شفافیت مالی و فعالیت بازارهای غیررسمی، موجب شد بخشی از ارزا خارج از مسیر رسمی گردش پیدا کند. در نتیجه، نه تنها بازار کنترل نشد بلکه شکاف میان نرخ‌ها نیز افزایش یافت. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد در شرایط جنگی و بحران‌های بزرگ، دولت‌ها معمولاً نقش فعال‌تری در مدیریت بازار ارز ایفا می‌کنند. پس از جنگ جهانی دوم، انگلیس برای تأمین هزینه‌های جنگ و بازسازی اقتصادی، محدودیت‌های گسترده‌ای بر معاملات ارزی اعمال کرد. کشورهای نظیر مالزی، ایسلند، یونان، شیلی، چین و روسیه نیز در مقاطع بحرانی به سمت کنترل جریان سرمایه حرکت کرده‌اند. نمونه روسیه از این منظر عملکردی و روزمرگی ایران تبدیل می‌کند.

در این ساختار نهادی، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد بیش از آن که به تعقیب واقعی رفتار تصمیم‌گیران منجر شود، به نوعی هم‌شکل‌سازی صورتی تبدیل شده است. شاخص‌ها،

Charsoogh newspaper
شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵
سال دوم
شماره ۴۷۱
نبخ اقتصاد
رادردست بگیرید



تغییر آرایش کریدورهای تجاری پس از جنگ ۴۰ روزه

گزارش

تغییر آرایش کریدورهای تجاری پس از جنگ ۴۰ روزه در دستور کار وزارت اقتصاد قرار گرفته است.

هم‌زمان با تداوم جنگ ۴۰ روزه و تشدید فشار بر مسیرهای سنتی تجارت خارجی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی با جاری سیاست «تغییر آرایش کریدورهای تجاری» تلاش کرده است مسیر تأمین کالاهای اساسی، مواد اولیه و صادرات کشور را حفظ کند. در همین راستا، انتقال بخشی از کریدورهای وارداتی از بنادر جنوبی به بنادر شمالی و مرزهای زمینی، به یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت در مدیریت شرایط جنگ اقتصادی تبدیل شده است.

در همین خصوص چندی قیل مدنی راه‌یازده با شاره به‌کندی ایجاد شده در برخی بنادر جنوبی کشور اعلام کرد: انتقال بخشی از کریدورهای

واردتی به بنادر شمالی و مرزهای زمینی در دستور کار قرار گرفته است. به گفته وی، هم‌زمان کارگروه‌های ملی و استانی برای رفع موانع واردات، صادرات و ترانزیت کالا تشکیل شده‌اند تا روند تجارت خارجی کشور با کمترین اختلال ادامه یابد.

این تغییر رویکرد در حالی رخ داده که طی سال‌های گذشته بخش عمده تجارت خارجی ایران بر محور بنادر جنوبی متمرکز بود، اما شرایط جدید موجب شده دولت به سمت تنوع بخشی به مسیرهای لجستیکی و پایان دادن به انحصار بنادر جنوبی حرکت کند. کارشناسان این تحول را آغاز شکل‌گیری «نقشه جدید تجارت ایران» می‌دانند؛ نقشه‌ای که در آن مرزهای زمینی و کریدورهای شمالی نقش پررنگ‌تری در زنجیره تأمین کشور خواهند داشت. یکی از مهم‌ترین محورهای اقدامات وزارت اقتصاد در این دوره، تسهیل تشریفات گمرکی و تسریع فرآیند ترخیص کالاهای اساسی بوده‌است. بر اساس اعلام مسئولان، زمان ترخیص کالاهای اساسی

در اوج جنگ اقتصادی از ۱۷ روز به حدود ۹ روز کاهش یافته؛ اقدامی که نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی و جلوگیری از کمبود کالا در بازار داخلی ایفا کرده است.

در کنار تأمین کالاهای اساسی، حمایت از تولید و حفظ بازارهای صادراتی نیز به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی دولت دنبال می‌شود. وزارت اقتصاد تأکید دارد در شرایط بحرانی، هیچ بازار صادراتی نباید از دست برود و به همین دلیل مجموعه‌ای از حمایت‌های لجستیکی، گمرکی و تجاری برای

صادرکنندگان در نظر گرفته شده است. تحولات اخیر در عرصه تجارت خارجی کشور و تشدید فشارهای ناشی از جنگ ۴۰ روزه، موجب شده سیاست‌گذار اقتصادی با رویکردی جدید تحت عنوان «تنوع بخشی به کریدورهای تجاری» به بازاریابی مسیرهای تأمین و ترانزیت کالا روی آورد. در این چارچوب، وابستگی تاریخی به بنادر جنوبی کشور که عمدتاً شامل استان‌های هرمزگان، بوشهر و به‌ویژه خوزستان و بندر امام خمینی برای واردات کالاهای اساسی بود، مورد بازنگری قرار گرفته و تلاش شده است ظرفیت‌های مغفول در محورهای شمالی و شمال‌غربی و شمال‌شرقی کشور فعال شود. این تغییر رویکرد با هدف افزایش تاب‌آوری زنجیره تأمین و کاهش آسیب‌پذیری در شرایط بحران دنبال می‌شود.

بر اساس این سیاست جدید، محورهای شمالی کشور که دسترسی به بازارهای اوراسیا، قفقاز و همچنین مسیرهای ترانزیتی ترکیه را فراهم می‌کنند، می‌توانند به‌عنوان مکمل و در برخی موارد جایگزین مسیرهای سنتی جنوب ایفای نقش کنند. کارشناسان معتقدند توسعه این کریدورها نه تنها وابستگی به بنادر جنوبی را کاهش می‌دهد، بلکه امکان توزیع متوازن‌تر بار واردات و صادرات را در سطح کشور فراهم می‌کند. این تحول در عمل به معنای شکل‌گیری یک شبکه چندمحوری در تجارت خارجی ایران است که ریسک اختلال در یک مسیر را به حداقل می‌رساند.

اگرچه ایده توسعه کریدور شمال-جنوب از سال‌های گذشته در اسناد توسعه‌ای کشور مطرح بوده، اما در عمل به دلیل تمرکز زیرساختی بر بنادر جنوبی، این مسیرها کمتر مورد بهره‌برداری مؤثر قرار گرفته بودند. با این حال، تشدید فشارهای خارجی و به‌ویژه جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشور در اسفندماه ۱۴۰۴، موجب شد اهمیت راهبردی این محور بیش از گذشته در دستور کار دولت قرار گیرد و سرعت تصمیم‌گیری‌ها در این حوزه افزایش یابد.

در همین راستا، دولت تلاش کرده است با ایجاد کارگروه‌های ملی و استانی، موانع لجستیکی و گمرکی در مسیرهای جدید را کاهش دهد و هم‌زمان فرآیند ترخیص کالاهای

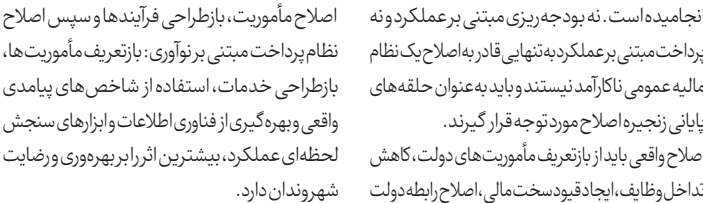
اساسی را تسریع کند. مجموع این اقدامات نشان می‌دهد سیاست تجاری کشور در حال حرکت از یک ساختار متمرکز و آسیب‌پذیر به سمت یک مدل شبکه‌ای و مقاوم‌تر است؛ مدلی که در آن هم بنادر جنوبی و هم محورهای شمالی و زمینی، به‌صورت مکمل در خدمت پایداری تجارت خارجی کشور قرار می‌گیرند. تغییر آرایش مرزی و تمرکز بر دیپلماسی لجستیکی، می‌تواند در بلندمدت وابستگی تجارت ایران به چند مسیر محدود را کاهش دهد و تاب‌آوری اقتصاد کشور در شرایط بحران افزایش دهد.

تغییر آرایش مرزی و تمرکز بر دیپلماسی لجستیک، می‌تواند در بلندمدت وابستگی تجارت ایران به چند مسیر محدود را کاهش داده و تاب‌آوری اقتصاد کشور را در شرایط بحران افزایش دهد

شکست بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در تغییر واقعی رفتار تصمیم‌گیران

تقدم اصلاح مأموریت دولت بر اصلاح ابزارهای بودجه‌ای و پرداختی؛ تجربه‌نشان می‌دهد در غیاب تعریف شفاف و محدود وظایف دولت، سنسش عملکرد پیوندان با تخصیص منابع با ابهام و تعارض مواجه می‌شود. دستگاه‌های با مأموریت‌های گسترده، متداخل و فاقد اولویت‌بندی، قادر به تعریف خروجی و پیامد قابل سنجش نیستند؛ بنابراین اصلاح مالیه عمومی باید با بازتعریف نقش دولت، کاهش تصدی‌گری، تکنیک سیاست‌گذاری از اجراء و تمرکز بر خدمات عمومی هسته‌ای آغاز شود.

بذخیرش واقعی عدالتی و بازگشت انضباط بودجه‌ای؛ تا زمانی که ساختار بودجه عمومی، به‌واسطه اتکای مرمزن به منابع پایدار، امکان تعویق هزینه‌ها، انتقال کسری به آینده و استفاده از ابزارهای شبه بودجه‌ای را فراهم می‌کند، عملکرد به‌عنوان معیار تخصیص منابع،



اصلاح مأموریت، بازطراحی فرآیندها و سپس اصلاح

نظام پرداخت مبتنی بر نوآوری؛ بازتعریف مأموریت‌ها،

بازطراحی خدمات، استفاده از شاخص‌های پامندی

واقعی و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ابزارهای سنجش

لحظه‌ای عملکرد، بیشترین اثر را بر بهره‌وری و رضایت

شهروندان دارد.

سناریوی سوم که شامل اصلاح مأموریت دولت، بازطراحی

فرآیندها و اعمال نظام پرداخت مبتنی بر شاخص‌های

کشورهای توسعه‌یافته‌مانند نیوزیلند، کانادا و استرالیا نشان

می‌دهد رویکرد تدریجی و مبتنی بر بازخورد، همراه با ارتقاء

نظام اطلاعاتی و ارزیابی دقیق بودجه‌ها، اثرات قابل‌توجهی

در افزایش بهره‌وری و رضایت شهروندان داشته است.

کشورهای مشابه ایران از نظر ساختار اقتصادی، مانند ترکیه

و اندونزی نیز نشان داده‌اند که عدم وجود نظریه روشن

دولت و ضعف سامانه‌های اطلاعاتی مانع اجرای مؤثر این

ابزارهاست. بر اساس گزارش‌های رسمی، بیش از ۵۵ درصد

فرآیندهای جاری به حقوق و مزایا اختصاص دارد و حدود ۴۵ درصد

بر پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام هستند. متوسط زمان ارائه خدمت در برخی دستگاه‌های خدماتی

۱۲ و نرخ پوشش ذی‌نفع واقعی حدود ۶ درصد گزارش شده‌است.

ساله بیش از ۸۰ هزار شکایت در سامانه‌های نظارتی ثبت می‌شود.

این شاخص‌ها نشان می‌دهد دولت بزرگ و پرهزینه‌است، اما کیفیت خدمات پایین و تجربه شهروندان همراه با نارضایتی است.

شاخص‌های ملی المللی مانند نسبت کارکنان بخش عمومی به جمعیت، سهم هزینه‌های جاری از تولید ناخالص داخلی (GDP) ۱، شاخص رضایت شهروندان و متوسط زمان ارائه خدمت در کشورهای منتخب نیز امکان مقایسه تطبیقی را فراهم می‌کنند.

این شاخص‌ها، سه مسیر اصلاحی قابل‌ترسیم است: تداوم وضع موجود با اصلاحات شکلی؛ ابزارهای جدید بدون تغییر در مأموریت‌ها و فرآیندها، اعمال‌ای می‌شوند؛ شاخص‌ها به تدریج تشریفاتی می‌شوند و بهبود معناداری در بهره‌وری یا کیفیت خدمات رخ نمی‌دهد. نارضایتی کارکنان و شهروندان ادامه می‌یابد.

اصلاح فرآیندها بدون بازتعریف مأموریت دولت؛ توسعه سامانه‌های اطلاعاتی و بهبود فرآیندها، اثرات محدود اما ملموسی بر کاهش شکایات و افزایش شفافیت دارند؛ به این حال، ظرفیت‌های همچنان پاسخ‌گوی انتظارات نیست.

در ادبیات مالیه عمومی، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد صرفاً یک ابزار فنی یا حسابداری نیست، بلکه برآمده از نظمی نهادی است.

کشورهایی که این مدل را به‌طور مؤثر پیاده کرده‌اند، از ثبات نسبی اقتصاد کلان، انضباط مالی، شفافیت مأموریت‌های دولت، نظام اداری حرفه‌ای و زنجیره کامل ارزیابی برخوردار بوده‌اند

اصلاح مأموریت، بازطراحی فرآیندها و سپس اصلاح

نظام پرداخت مبتنی بر نوآوری؛ بازتعریف مأموریت‌ها،

بازطراحی خدمات، استفاده از شاخص‌های پامندی

واقعی و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ابزارهای سنجش

لحظه‌ای عملکرد، بیشترین اثر را بر بهره‌وری و رضایت

شهروندان دارد.

سناریوی سوم که شامل اصلاح مأموریت دولت، بازطراحی

فرآیندها و اعمال نظام پرداخت مبتنی بر شاخص‌های

کشورهای توسعه‌یافته‌مانند نیوزیلند، کانادا و استرالیا نشان

می‌دهد رویکرد تدریجی و مبتنی بر بازخورد، همراه با ارتقاء

نظام اطلاعاتی و ارزیابی دقیق بودجه‌ها، اثرات قابل‌توجهی

در افزایش بهره‌وری و رضایت شهروندان داشته است.

کشورهای مشابه ایران از نظر ساختار اقتصادی، مانند ترکیه

و اندونزی نیز نشان داده‌اند که عدم وجود نظریه روشن

دولت و ضعف سامانه‌های اطلاعاتی مانع اجرای مؤثر این

ابزارهاست. بر اساس گزارش‌های رسمی، بیش از ۵۵ درصد

فرآیندهای جاری به حقوق و مزایا اختصاص دارد و حدود ۴۵ درصد

بر پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام هستند. متوسط زمان ارائه خدمت در برخی دستگاه‌های خدماتی

۱۲ و نرخ پوشش ذی‌نفع واقعی حدود ۶ درصد گزارش شده‌است.

ساله بیش از ۸۰ هزار شکایت در سامانه‌های نظارتی ثبت می‌شود.

این شاخص‌ها نشان می‌دهد دولت بزرگ و پرهزینه‌است، اما کیفیت خدمات پایین و تجربه شهروندان همراه با نارضایتی است.

شاخص‌های ملی المللی مانند نسبت کارکنان بخش عمومی به جمعیت، سهم هزینه‌های جاری از تولید ناخالص داخلی (GDP) ۱، شاخص رضایت شهروندان و متوسط زمان ارائه خدمت در کشورهای منتخب نیز امکان مقایسه تطبیقی را فراهم می‌کنند.

این شاخص‌ها، سه مسیر اصلاحی قابل‌ترسیم است: تداوم وضع موجود با اصلاحات شکلی؛ ابزارهای جدید بدون تغییر در مأموریت‌ها و فرآیندها، اعمال‌ای می‌شوند؛ شاخص‌ها به تدریج تشریفاتی می‌شوند و بهبود معناداری در بهره‌وری یا کیفیت خدمات رخ نمی‌دهد. نارضایتی کارکنان و شهروندان ادامه می‌یابد.

اصلاح فرآیندها بدون بازتعریف مأموریت دولت؛ توسعه سامانه‌های اطلاعاتی و بهبود فرآیندها، اثرات محدود اما ملموسی بر کاهش شکایات و افزایش شفافیت دارند؛ به این حال، ظرفیت‌های همچنان پاسخ‌گوی انتظارات نیست.

محسن راجی اسدآبادی

مدرس دانشگاه و پژوهشگر اقتصاد بخش عمومی

بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد بیش از آن که به

تغییر واقعی رفتار تصمیم‌گیران منجر شود، به نوعی

هم‌شکلی صورتی تبدیل شد.

طی بیش از دوه‌ده اخیر، اصلاح نظام مالیه عمومی و

ارتقاء کارایی دولت یکی از محورهای پایدار سیاست‌گذاری

در ایران بوده‌است. مفاهیمی چون بودجه‌ریزی مبتنی بر

عملکرد، مدیریت‌برمبنای نتایج، محاسبه قیمت‌شده تمام

خدمات دولتی و در سال‌های اخیر، پرداخت مبتنی بر

عملکرد کارکنان دولت به‌طور مکرر در اسناد باطنی،

قوانین برنامه‌های توسعه، لایوح بودجه و اظهارات رسمی

سیاست‌گذاران انعکاس داشته است. این مفاهیم که از

تجربه کشورهای توسعه‌یافته و برخی اقتصادهای نوظهور

الهام گرفته‌اند، با هدف گذار از تخصیص منابع عمومی بر

مبنای روند‌های تاریخی و مذاکره‌محور به سمت تصمیم‌

مبنی بر کارایی، انرژیشی و پاسخ‌گویی مطرح شده‌اند. با

این حال، سواد عملی نشان می‌دهد که اجرای این ابزارها

بدون اصلاح ساختار نهادی، مأموریت‌ها و فرآیندهای

اجرایی، به نتایج ملموس و پایدار منجر نشده است.

در ادبیات مالیه عمومی، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد

صرفاً یک ابزار فنی یا حسابداری نیست، بلکه برآمده از

نظمی نهادی است. کشورهایی که این مدل را به‌طور مؤثر

پیاده کرده‌اند، از ثبات نسبی اقتصاد کلان، انضباط مالی،

شفافیت مأموریت‌های دولت، نظام اداری حرفه‌ای و زنجیره

کامل سیاست‌گذاری-اجرا-ارزیابی برخوردار بوده‌اند. در

چنین محیطی، عملکرد قابلیت سنجش دارد، هزینه‌ها

قابل‌بینی‌اند و نتایج سیاست‌ها در افق زمانی معقول

قابل مشاهده و اصلاح است.

در مقابل، اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر با ویژگی‌هایی

مواجه بوده که نتحقق این پیش‌فرض‌ها را دشوار کرده

است. تورم مزمن و نوسانات شدید اقتصاد کلان یکی از

بنیادی‌ترین موانع اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد

است. بر اساس داده‌های رسمی بانک مرکزی و مرکز آمار،

متوسط نرخ تورم سالانه در دوه‌ده گذشته عمدتاً بالای ۲۰

درصد بوده و در برخی دوره‌ها ۴۰ درصد نیز فراتر رفته است.

این وضعیت، محاسبه پایدار قیمت تمام‌شده خدمات

دولتی و مقایسه معنادر عملکرد در طول زمان را تضعیف

می‌کند. تغییرات شدید در قیمت نهاده‌ها، دستمزدها،

نرخ ارز و هزینه‌های سرمایه‌ای، هرگونه تحلیل هزینه-

فایده میان‌مدت را با عدم قطعیت جدی روبه‌رو می‌سازد.

واپسینگی به‌یازانه بودجه‌ای مواجه‌اند. اجرای پرداخت

مبتنی بر عملکرد در چنین محیطی، بدون اصلاح ساختار

مالکیت، حاکمیت شرکتی و نظام پاسخ‌گویی، نمی‌تواند به

بهبود عملکرد منجر شود و ممکن است نابرابری و نارضایتی

درون سازمانی را تشدید کند.

نکته کلیدی آن است که بزرگ شدن دولت لزوماً به معنای

افزایش ظرفیت حکمرانی نیست. گسترش تعداد کارکنان،

رشد شرکت‌های دولتی و ایجاد نهادهای موازی، عمدتاً

به پیچیدگی ساختار اداری و افزایش هزینه‌های مبادله



افزایش قیمت بسته بندی، تمامی اجناس را گران کرده است

جنگ به واحد های بسیاری از چایخانه داران آسیب وارد کرد اما حتی در شرایطی که بیشتر اصناف به دلیل جنگ تعطیل بودند، چایخانه داران با قدرت به فعالیت خود ادامه می دادند. با این همه مشکلاتی همچون گرانی روزافزون کاغذ و مواد اولیه نه تنها بر قیمت کتاب و لوازم التحریر، بلکه تمامی اجناسی که به نوعی دارای بسته بندی هستند، تأثیر گذاشت. به گزارش ایلنا، جنگ به واحد های بسیاری از چایخانه داران آسیب وارد کرد اما حتی در شرایطی که بیشتر اصناف به دلیل جنگ تعطیل بودند، چایخانه داران با قدرت به فعالیت خود ادامه می دادند. با این همه مشکلاتی همچون گرانی روزافزون کاغذ و مواد اولیه نه تنها بر قیمت کتاب و لوازم التحریر، بلکه تمامی اجناسی که به نوعی دارای بسته بندی هستند، تأثیر گذاشت.

بابک عابدین، رئیس صنف چایخانه داران و صحاف تهران به ایلنا گفت: حدود ۲۸ واحد فعال در زمینه چاپ و انتشارات در دوران جنگ آسیب دیدند. بسیاری از این واحدها دچار صدماتی همچون شکستگی درب و پنجره ها، صدمه به ماشین آلات و مواردی از این دست داشتند اما ۵ واحد به طور کامل تخریب شدند. به این معنا که ۵ واحد چاپ کاملاً ویران شده اند.

او افزود: خسارت های قابل توجهی به چایخانه داران وارد شده است. بسیاری از واحدها با مشکلاتی مواجه شده اند که دیگر توان ادامه فعالیت را نداشتند و بسیاری از کارمندان واحدهای چاپ نیز بیکار شده اند. در طول جنگ بارها واحدهای چاپ آسیب دیدند و هر بار مدیران به تعمیر و بازسازی واحد مربوطه پرداخته و فعالیت خود را از سر گرفته اند. عابدین گفت: برخی از واحدها توانستند آسیب های وارده را ترمیم و دوباره رانندازی کنند، اما خط تولید تعدادی دیگر به دلیل نبود قطعات یدکی در داخل کشور و قطع واردات در آن شرایط، همچنان متوقف مانده است. این واحدها نیز کماکان در حال تحمل خسارت هستند.

مشکلات تأمین کا

عابدین با اشاره به این که چنین اختلال هایی در تأمین، کار چایخانه ها را با مشکل جدی مواجه کرد، بیان کرد: بسیاری از واحدها می توانستند مانند برخی سوداگران، مواد اولیه موجود در انبارهای خود را اختکار کرده و با توقف کار، ماه ها بعد همان مواد را با سودی چند برابری به فروش برسانند. با این حال، چایخانه داران کشور راه دیگری در پیش گرفتند. چایخانه ها در عمل ایثارگری کردند. آن ها تصمیم گرفتند موجودی انبارهای خود را وارد چرخه تولید کنند تا بتوانند به تعهدات خود در قبال جامعه عمل کنند و جریان نشرو چاپ متوقف نشود.

عابدین ادامه داد: عرضه بسته بندی برای کالاها در فروشگاه ها، داروخانه ها، تولیدکنندگان شوینده، لوازم صنعتی و تجهیزات پزشکی، همه وابسته به صنعت چاپ است. این صنف در طول جنگ پای کار ایستاد، به تولید ادامه داد و تمام ذخایر خود را برای حفظ این چرخه حیاتی هزینه کرد؛ اما اکنون با افزایش شدید و ناگهانی قیمت مواد اولیه مانند کاغذ، مقوا و فیلم های بسته بندی مواجه شده اند و این فشار مالی ادامه فعالیت آنها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

او افزود: این افزایش قیمت حتی ورق های فلزی مورد نیاز برای قوطی سازی را نیز در بر گرفته است. قیمت موادی مانند آلومینیوم و ورق های چاپ پذیری که در بسته بندی استفاده می شوند، به سطح بی سابقه ای رسیده است. این شرایط عملاً توانایی چایخانه ها برای انجام سفارشات مشتریان را از بین برده، چرا که از یک سو نقدینگی لازم برای خرید این مواد اولیه گران قیمت را ندارند و از سوی دیگر، فروش محصول نهایی نیز با مشکل مواجه شده است.

عابدین گفت: همکاری با بخش های دولتی و اطلاع رسانی گسترده درباره مشکلات این زنجیره صورت گرفته است. نمایندگان صنف تمام تلاش خود را کرده اند تا با ارائه اطلاعات دقیق از موانع موجود، از جمله اختلال در زنجیره ارزش و تأمین نقدینگی، متولیان امر در دولت را در جریان کامل قرار دهند. این تمهیدات با هدف یافتن راه حل های مشترک و پشتیبانی برای عبور از بحران فعلی انجام شده است.

او افزود: سهم صنعت چاپ و بسته بندی در اقتصاد جهانی ممکن است حدود یک تا دو درصد باشد، اما نباید این عدد، ما را از نقش حیاتی آن غافل کند. این صنعت زیرساخت نرم تمام صنایع دیگر است. هیچ محصولی، از یک آدامس یا بستنی ساده گرفته تا داروهای حیاتی و تجهیزات پزشکی استریل، بدون بسته بندی قابل عرضه و مصرف نیست. صنعت فرهنگ و نشر نیز کاملاً به آن وابسته است.

بسته بندی یک صنعت استراتژیک است

عابدین تأکید کرد: ارزش واقعی این صنعت در «ضریب تکثیری» آن است. اگر چاپ و بسته بندی متوقف شود، زنجیره تأمین ده ها صنعت استراتژیک دیگر نیز مختل می شود؛ بنابراین، این یک کالای استراتژیک زیرساختی است. او گفت: نگرش به این صنعت باید از یک «صنعت خدماتی چایی» به یک «صنعت زیرساخت ملی و امنیتی» تغییر کند. این امر مستلزم تخصیص سهمیه ارزی ترجیحی، ایجاد خطوط اعتباری ویژه، حمایت از تولید داخلی مواد اولیه و ثبات بخشی به قیمت ها از طریق ابزارهای تنظیم بازار است. بدون این تغییر نگرش، راه حل ها همیشه مقطعی و ناکافی خواهند بود. عابدین در ادامه صحبت های خود به موضوع تأثیر مستقیم هزینه بسته بندی بر تورم قیمت کالاهای اساسی اشاره کرد و گفت: ممکن است پیرسند بسته بندی چند درصد از قیمت یک کالا را تشکیل می دهد. برای مثال، آب معدنی را در نظر بگیرید. قیمت آن نسبت به سال گذشته چندین برابر شده است، بخش قابل توجهی از این افزایش قیمت، ناشی از هزینه بسته بندی است. ما در بخش چاپ افزایش قیمت چشمگیری نداشته ایم، اما برای تولید مواد اولیه بسته بندی مانند پلیمرها، آلومینیوم و کاغذ مجبور به پرداخت هزینه های چند برابری هستیم. این هزینه ها مستقیماً به صنایع مصرفی منتقل و در نهایت به صورت تورم شدید به مصرف کننده تحمیل می شود. عابدین تأکید کرد: اینجاست که باید ارزش استراتژیک بسته بندی را دید. صنایع بزرگ مانند داروسازی یا تجهیزات پزشکی که سهم بزرگی در اقتصاد جهانی دارند، ۱۰۰٪ وابسته به چاپ و بسته بندی هستند؛ بنابراین نمی توان گفت این صنعت استراتژیک نیست. همه چیز از مرکب و کلیشه تا بسته های چاپی مانند کاغذ، مقوا و فلز پلیمرها در این زنجیره حیاتی هستند.



بانک مرکزی اروپا: ایران ترمز رشد اقتصاد ما را کشید

گزارش

بانک مرکزی اروپا هشدار داد جنگ ایران و اختلال در تنگه هرمز رشد منطقه یورو را تضعیف کرده است. هزینه استقراض دولت ها افزایش یافته و توان بازپرداخت بدهی در خطر قرار گرفته است.

خطر افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی را به همراه دارد. داد که جنگ ایران و تنش های تجاری پایدار، فشار سنگینی بر رشد اقتصادی منطقه یورو وارد کرده است. این نهاد اروپایی اعلام کرد هزینه استقراض دولت ها، شرکت ها و بانک ها افزایش یافته و توان برخی از کشورهای منطقه برای حفظ تعادل بودجه خود با خطر جدی روبه رو شده است. به گفته بانک مرکزی اروپا، چشم انداز مثبت مالی منطقه یورو اکنون زیر فشار تنش های اقتصادی و اختلال در تأمین انرژی



بانک مرکزی اروپا: ایران ترمز رشد اقتصاد ما را کشید

نقاط ضعف را در بازارهای بدهی دولتی آشکار می کند. بر اساس این گزارش، اختلال در کشتیرانی از طریق تنگه هرمز و حملات به زیرساخت های انرژی، نوسانات شدیدی در بازارهای جهانی نفت ایجاد کرده و قیمت نفت و گاز را بالا برده است.

این مسئله خطر افزایش تورم و کاهش رشد را دوچندان کرده و ممکن است نوسانات بازار را تشدید کند. در این گزارش آمده سناریوی کاهش چشمگیر رشد اقتصادی، در پی یک شوک انرژی پایدار، می تواند سرمایه گذاران را مجبور به ارزیابی دوباره پایداری بدهی

قرار دارد. شدت و مدت این پیامدها هنوز نامشخص است. جالب آنکه این گزارش تأکید می کند بازارهای مالی تاکنون جنگ ایران را تا حد زیادی نادیده گرفته اند. سهام شرکت ها همچنان در ارزیابی بالا باقی مانده و شکاف بازده اوراق قرضه دولت ها محدود است، هرچند از زمان شروع جنگ نشانه هایی از واگرایی دیده می شود.

معاون بانک مرکزی اروپا هشدار داده که شوک فعلی عرضه انرژی، خطر افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی را به همراه دارد. و ممکن است نوسانات بازار را تشدید کند. در این گزارش آمده سناریوی کاهش چشمگیر رشد اقتصادی، در پی یک شوک انرژی پایدار، می تواند سرمایه گذاران را مجبور به ارزیابی دوباره پایداری بدهی

رکوردشکنی قیمت مواد غذایی در دنیا به دلیل جنگ علیه ایران



این افزایش منعکس کننده قیمت های بالای نفت خام است که جذابیت سوخت های زیستی را افزایش داد، در کل از ابتدای سال

تأماه آوریل، شاخص روغن ها و کنجاله ها ۱۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است. روغن سویا پس از اعلام اهداف بلندپروازانه گازوئیل تجدید پذیر ایالات متحده در اواخر مارس، در سه ماهه اول سال ۲۰۲۴ نسبت به سه ماهه قبل ۱۴ درصد و نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۵ درصد جهش کرد، در حالی که قیمت سویا به دلیل تقاضای شدید روغن نباتی و خرید مجدد چین ۵ درصد افزایش یافت. قیمت روغن پالم نیز به دلیل تقاضای

قوی برای بیوگازوئیل افزایش یافت.

امنیت غذایی در تیریس جنگ

اثرات جنگ علیه ایران بر امنیت غذایی در حال حاضر قابل مشاهده است. پیش از شروع درگیری ها در فوریه ۲۰۲۴، تورم مواد غذایی در منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان نسبتاً کنترل شده بود. بسته شدن تنگه هرمز این وضعیت را به سرعت تغییر داد، به طوری که تورم مواد غذایی در اقتصاد های حاشیه خلیج فارس که به شدت به واردات وابسته هستند، در ماه مارس به شدت افزایش یافت. قیمت روغن پالم نیز به دلیل تقاضای قوی برای بیوگازوئیل افزایش یافت.

فروپاشی بازار اوراق قرضه

آمریکا با بدهی ملی ۳۸ تریلیون دلاری، بزرگ ترین بدهکار جهان است که هر سال برای بازپرداخت بدهی های قبلی و تأمین کسری بودجه جدید، نیازمند استقراض تریلیون ها دلار بیشتر است. اگر خریداران خارجی اوراق قرضه خزانه داری آمریکا (مانند چین، ژاپن و عربستان) از بازار خارج شوند، دولت آمریکا با یک بحران مالی بی سابقه روبرو می شود. نرخ های بهره منفرج می شوند، هزینه استقراض سر به فلک می کشد و ورشکستگی مالی دولت فدرال به یک احتمال واقعی تبدیل می شود.

کاهش قدرت ژئوپلیتیکی

آمریکا توانایی خود برای تأمین مالی بدهی های عظیم، پایگاه های نظامی در سراسر جهان، و این دلارها شروع به بازگشت به خانه کنند، نتیجه ماندن شکستن این سد خواهد بود.

با سرازیر شدن ناگهانی این حجم عظیم از پول به اقتصاد داخلی، آمریکا با ابرتورم (Hyperinflation) مواجه خواهد شد؛ چرا که با افزایش نقدینگی، تقاضای سنگین و بی سابقه ای بر بازار آمریکا تحمیل خواهد شد.

برآورد می شود که در حال حاضر بین ۲۰ تا ۲۵ تریلیون دلار اسکناس و دارایی های دلاری در خارج از مرزهای آمریکا در گردش است. این حجم عظیم نقدینگی مانند یک سد بزرگ در خارج از اقتصاد آمریکا مانده داشته شده است؛ اما اگر جهان اعتماد خود را به دلار از دست بدهد و این دلارها شروع به بازگشت به خانه کنند، نتیجه ماندن شکستن این سد خواهد بود. با سرازیر شدن ناگهانی این حجم عظیم از پول به اقتصاد داخلی، آمریکا با ابرتورم (Hyperinflation) مواجه خواهد شد؛ چرا که با افزایش نقدینگی، تقاضای سنگین و بی سابقه ای بر بازار آمریکا تحمیل خواهد شد. در این سناریو، بر اساس برخی برآوردها، نرخ تورم آمریکا می تواند به ارقام سه رقمی یا حتی چهار رقمی (۱۰۰۰ درصد یا بیشتر) برسد که مشابه آنچه در آلمان دهه ۱۹۲۰ و ژاپم یابوه دهه ۲۰۰۰ رخ داد.

دولت ها کند. این ارزیابی مجدد، هزینه استقراض دولت ها، شرکت ها و بانک ها را افزایش خواهد داد.

در نتیجه، چرخه فشاری از بازار اوراق قرضه به اقتصاد واقعی منتقل می شود. تأمین مالی سخت ترمی شود، سرمایه گذاری کاهش می یابد و فعالیت شرکت ها دچار رکود می گردد.

بانک مرکزی اروپا همچنین به فشار بر بودجه دولت ها اشاره کرده است. دولت های اروپایی هم اکنون با هزینه های سنگین دفاعی، تأمین مالی انتقال به انرژی پاک و حمایت از مردم و شرکت ها در برابر گرانی انرژی روبه رو هستند.

این نهاد هشدار داده که هرگونه حمایت مالی باید موقت و هدفمند باشد، در غیر این صورت فشار تورمی و بودجه ای را افزایش خواهد داد. آمارهای رسمی نشان می دهد کسری بودجه منطقه یورو در سال ۲۰۲۵ به ۲.۹ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده، اما بدهی دولت ها به ۸۷.۸ درصد افزایش یافته است. یازده کشور اروپایی کسری بودجه بالای ۳ درصد و دوازده کشور بدهی بالای ۶۰ درصد دارند. یونان، ایتالیا، فرانسه، بلژیک و اسپانیا بالاترین بدهی را ثبت کرده اند.

کمیسیون اروپا پیش بینی کرده که شوک انرژی ناشی از جنگ، رشد اقتصادی را تضعیف و تورم را بالا ببرد. پیش بینی رشد منطقه یورو برای سال ۲۰۲۶ به ۰.۹ درصد و برای ۲۰۲۷ به ۱.۲ درصد کاهش یافته است. پیش بینی تورم نیز برای امسال به ۳ درصد و برای سال آینده به ۲.۳ درصد رسیده است.

صندوق بین المللی پول نیز در گزارش اخیر خود اعلام کرده که شوک جدید انرژی به رشد اروپا ضربه زده و عدم اطمینان را افزایش داده است.

در بخش ریسک بانکی، بانک مرکزی اروپا اعلام کرده که بانک های منطقه یورو با سودآوری خوب و سرمایه کافی وارد مرحله خطر شده اند، اما کیفیت دارایی های آنها ممکن است در صورت تشدید شرایط اقتصادی ناشی از جنگ، رو به زوال برود.

مواجهه مستقیم بانک های اروپایی با خاورمیانه محدود است، اما اثرات غیرمستقیم بر شرکت های فعال در صنعت، تجارت و انرژی می تواند قابل توجه باشد.

افزایش قیمت انرژی و نرخ بهره، فشار هزینه را بر شرکت ها بالا می برد. اگر شرکت ها تضعیف شوند، بیکاری افزایش می یابد و خانواده های کم درآمد توان بازپرداخت وام های خود را از دست می دهند.

همچنین صندوق های سرمایه گذاری و مؤسسات مالی غیربانکی ممکن است هرگونه آشفتگی در بازارها را تشدید کنند. بانک مرکزی اروپا خواستار نظارت بیشتر بر این بخش و توسعه ابزارهای مناسب برای مدیریت ریسک شده است.

افزایش قیمت در سراسر جهان

شتاب تورم مواد غذایی به منطقه مناب محدود نماند. قیمت ها در اروپا و آسیای مرکزی، آمریکا لاتین و کارائیب و جنوب آسیا نیز افزایش یافت، الگویی که به طور کلی مشابه وضعیت مشاهده شده یک ماه پس از حمله روسیه به اوکراین است.

افزایش تعداد گرسنگان در جهان

اگر اختلالات حاد عرضه فراتر از اواسط سال ادامه یابد و قیمت نفت برای مدت طولانی بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه باقی بماند، برنامه جهانی غذای سازمان ملل تخمین می زند که ۴۵ میلیون نفر دیگر در سال ۲۰۲۶ با گرسنگی حاد مواجه شوند که بیش از نیمی از آنها در آفریقای جنوب صحرا و منطقه مناب هستند.

چشم انداز

افزایش قیمت مواد غذایی، با ریسک هایی به سمت بالا متمایل است. بر اساس فرض پایه مبنی بر اینکه اختلالات عرضه در خاورمیانه در حدود اواسط سال کاهش یابد، پیش بینی می شود قیمت کالاهای کشاورزی غذایی مجدد افزایش یابد. غلات ۲ درصد در سال ۲۰۲۶، روغن ها و کنجاله ها ۴ درصد و شاخص کلی مواد غذایی حدود ۲.۵ درصد. با این حال، ریسک ها نشان می دهد قیمت مواد غذایی افزایش پیدا می کند. همچنین اگر درگیری فراتر از اواسط سال ادامه یابد و قیمت انرژی و کود را برای مدت طولانی بالا نگه دارد، یا اگر آل نیوتی (پدید آه آب و هوایی) قوی تری از حد انتظار دیده شود، قیمت مواد غذایی می تواند از پیش بینی های فعلی فراتر رود. اینکه آیا اختلالات عرضه مطابق با فرض کاهش می یابد یا خیر، سؤال اصلی برای بازارهای جهانی مواد غذایی در ماه های پیش خواهد بود.

نبردی برای بقای آمریکا

فشار حداکثری علیه ایران، تحریم های بی سابقه، تهدیدات مکرر نظامی و تلاش برای منزوی سازی بین المللی ایران، همگی ابزارهایی هستند برای محافظت از یک سیستم اقتصادی که بدون آن، آمریکا با یک فروپاشی مالی تاریخی روبرو خواهد شد. این نبرد، صرفاً درباره برنامه هسته ای، حقوق بشر، یا تورم نیست؛ این نبردی است برای بقای امپراتوری مالی آمریکا. پشت تحریم، پشت هر تهدید و پشت ترشش، ترس از بازگشت آن ۱۷ تریلیون دلار به خانه و فروپاشی یک امپراتوری نهفته است.



تجارت بین المللی و حمایت از ابتکارات چند جانبه مانند بریکس برای دلارزدایی، عملاً خود را به یکی از مهم ترین مهره های جنبش جهانی دلارزدایی تبدیل کرده است. کاهش وابستگی تجارت خارجی ایران به دلار و توسعه مکانیسم های پرداخت مبتنی بر تهارت و ارزهای محلی، دقیقاً همان کابوسی است که معماران امپراتوری دلار را شب و بیدار نگه می دارد.

ایران تهدید تراز اول برای آمریکا
در واقع ایران علاوه بر آنکه در عرصه های ژئوپلیتیک، نظامی و ایدئولوژیک برای آمریکا یک تهدید تراز اول محسوب می شود، تهدیدی

بنیادین برای ستون فقرات قدرت اقتصادی آمریکا نیز به حساب می آید.

اگر ایران و شرکای آن بتوانند یک سیستم موازی برای تجارت انرژی بدون استفاده از دلار ایجاد کنند، این الگو به سرعت در سراسر جهان تکثیر خواهد شد و به معنای پایان سلطه دلار خواهد بود. مضاف بر همه این عوامل، گفتمان ایدئولوژیک و تقابلی مقاومت در برابر مستکبرین است که توسط ایران رهبری می شود و دارد به دنیا اثبات می کند که می توان مقابل آمریکا ایستاد و دوام آورد و آمریکا را تهدید هم که تصور می شود خطرناک و شکست ناپذیر نیست.

نبردی برای بقای آمریکا

فشار حداکثری علیه ایران، تحریم های بی سابقه، تهدیدات مکرر نظامی و تلاش برای منزوی سازی بین المللی ایران، همگی ابزارهایی هستند برای محافظت از یک سیستم اقتصادی که بدون آن، آمریکا با یک فروپاشی مالی تاریخی روبرو خواهد شد. این نبرد، صرفاً درباره برنامه هسته ای، حقوق بشر، یا تورم نیست؛ این نبردی است برای بقای امپراتوری مالی آمریکا. پشت تحریم، پشت هر تهدید و پشت ترشش، ترس از بازگشت آن ۱۷ تریلیون دلار به خانه و فروپاشی یک امپراتوری نهفته است.